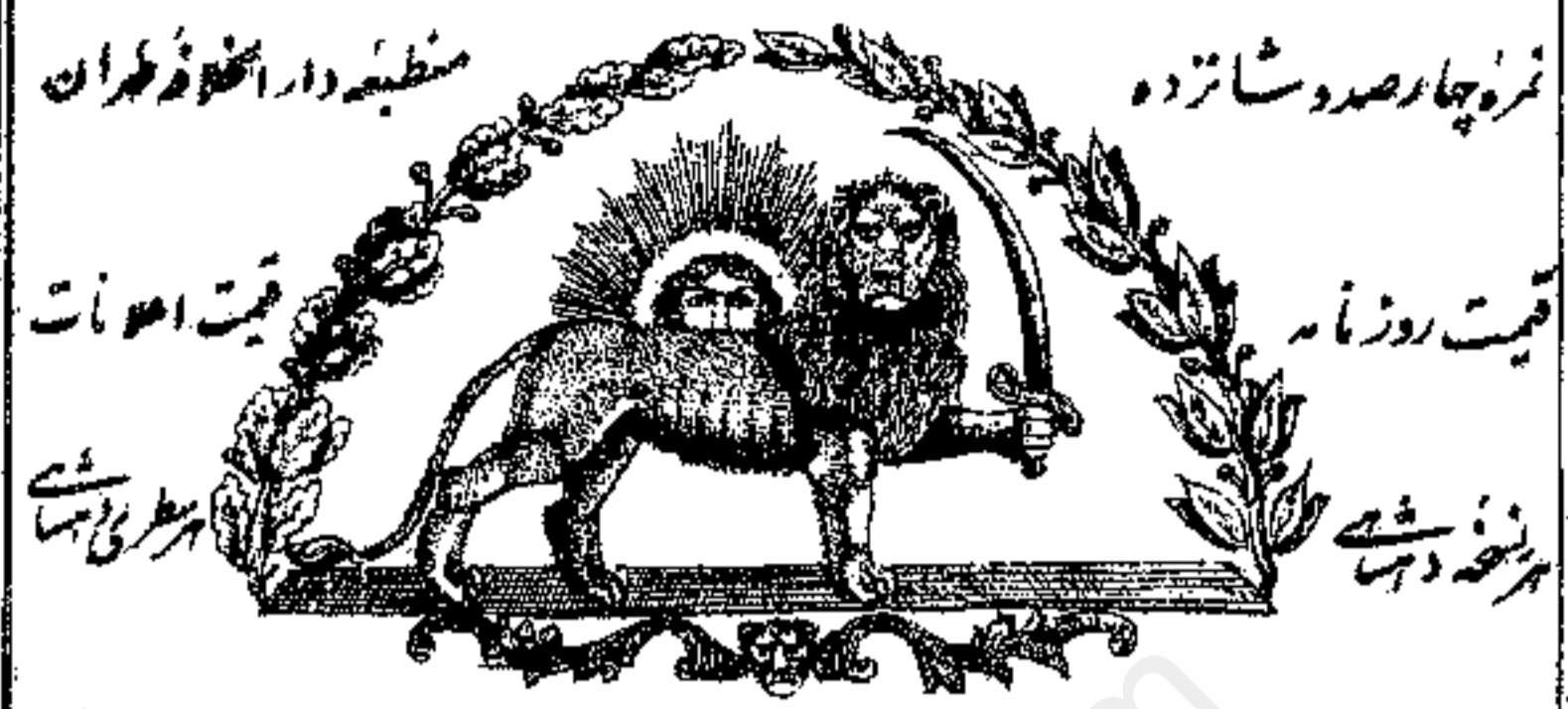


در روزنامه های فرانکستان نوشته اند در طوفانی که در اوایل شهر پاریس اتفاق افتاده بود از نزد  
 ریخته بجهت کشتی تجاری شکسته شده اند تا بقرار یک در روزنامه رسمی فرانسه نوشته اند نواب پرنس لیبید  
 محضرت امپراطور فرانسه که سه سال پیش ازین متولد شده بود در دست اول عساکر خاصه نواب  
 معزی لیبید اما پرنس قید کرده نوشته بودند این اوقات بنواب لیبید معزی الیه مرتب و کلی داده اند  
 در روزنامه رسمی یا نوشته اند که این اوقات از عظم حضرت امپراطور پستریه اولاد ذکور بی وجود  
 آمد بسم لودر رود و لودر که از در عساکر پیاده منصب سرچی باو معین نموده اند با بقشار یک  
 در روزنامه های فرانسه نوشته اند سابق بر اینها تشریح بود که هر کس از عساکر دولت فرانسه و هزاره  
 پانصد فرانق که هر فرانق هزار دینار باشد اگر میداد او را از صنف عسکری اخراج میکردند از یکسال  
 پیش محضرت امپراطور فرانسه قرار دادند که هر کس هزاره مشغول شد نوبت به او را اخراج نماید بقراری  
 نوشته اند در سیدت قریب بچند هزار نفر پول داده و خود را خنجر کمر کرده اند و مبالغ کشیری از نیابت  
 وصول شده است. با کیفیت کشیده شدن تلغراف از توی دریا از مالک و اروپا با امریکا چند دفعه در  
 روزنامه ها نوشته است که این تلغراف خواه در لندن و خواه در امریکا از برای تجارت بره اند  
 کشیده اند در روز تمام شدن تلغراف در امریکا ما بین تجار و امیال آنجا شادمانی بزرگ نمودند و بشکل  
 کردند و بقراری که در روزنامه ها نوشته اند ما بین دولت انگلیس و جمهوری آمریکا تشریح شده که بالفرض اگر  
 محارب اتفاق افتاد این تلغراف موقوف نمایند با بقراری که در روزنامه های فرانکستان نوشته اند با چنانچه  
 واحداث کننده تلغراف که مشهور مورس نام باشد بجهت اگرام او در پاریس مجلسی قرار دادند  
 که از هر مملکتی که تلغراف کشیده شده است اگرام و انعامی باو بشود بینا باخبار صحیح که مجددا رسید  
 بموجب قرار داد انالی این مجلس قریب چهل هزار تومان ازین مالک پول جمع گشته و با داده  
 و از اصل و نسب فیض نوشته اند که تولد این در امریکا شده است پست سال قبل با واپور که  
 کشتی آتشی باشد بجای میرفته است در کشتی با چند نفر اشخاصی که بوده اند بجای و گفتگویی از علم بکثرت  
 سیکر و اند فیض مدنی متصادی درین علم صرف افکار نموده تا در چهارده سال پیش تلغراف را ایجاد  
 اختراع نموده و اول در محکمت و وطن خود سخن تجر بر رسانیده بعد از آن منرخو در ابروز داد که در  
 محکمت مستعمل شده است و خودش شصت سال دارد و در مقرر حکومت امریکا در شهر واشتنگتون اقامت  
 و کنایه نماید

# روزنامه و قیام اتفاقیه تاریخ یوم شنبه و نهم شهر جمادی الاخری مطابق سال ۱۳۱۳



## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دار اختلاف طهران

چون پول اشرفی غالباً سبک وزن و کم سنگ شده در معاملات ای مردم موجب ضرر و خسارت میشد سرکار علیحضرتشاهی تدارک آن را در سلطنته برای فاه حال مردم امر و مستر فرمودند که عموم تحویل طلا و صابو جمعان دیوانی اشرفی سبک وزن بگیرند و کم وزن هم قبول نکنند و بکسی هم اشرفی سبک وزن ندهند و کسب و تجاره هم اشرفی کم سنگ سبک ادد و سنگینند هر کس دارد بدو ضرابخانه اشرفی تمام وزن مشکه کند و از حالت تحریر که پانزدهم شهر جمادی الاخریه است تا یکماه موقتاً بجهت اخبار مردم این روزنامه نوشته شد بعد از تصدیق یکماه حکم حکم جان طماع همایون شرف نفاذ خواهد یافت که اگر اشرفی کم و سبک وزن در دست کسی دیده شود حسب حکم گرفته ضبط میکند و اگر صاحب منصبان و تحویلداران یوا هم بکسی اشرفی کم وزن سبک بدهند باید بگیرد و براتب ابعرض خاکپای مبارک برساند (نظر) بوفور مراجع علیتشان در بان این الدوله و مستوفی الممالک زیر همسام دول خارج که به پشت گرمی شمول مرحمت و حافظت حیوانه از شرابی مستان مکتوف و محفوظ باشند از شکر از خرقه ترند

۲۸۰۳

این الدوله مستوفی الممالک وزیر دول خارجه  
 خرقه بطایه خرقه بطایه خرقه بطایه  
 بطایه خرقه سنجاب از جامه خانه مبارکه مرحمت و عنایت گردید (بجدا الله تعالی از برکت  
 شریعت غرا و طریقت پیرضا و از صفای خاطر پادشاه حجاجه اسلامیان پناه الهالی ایران و  
 بروز طالب و راغب طاعات و عبادات و خیرات و مبرات مستند و در ترویج دین مسبین و سنت

حضرت سید المرسلین علیه و علی که الف کلاف الحقیقه و تسلیم ساعی و جاهد پناشند حاجی سید  
 بنا را تدریج چاپوشن باشی بلاحظه فاصح قانون سنوآت قبل برای اخبار اشخاصی واجب التحشیش  
 در یوم شنبه دهم اینماه محلی چند در کمال آرایش زینت بسته با هفده یک که اولیای دولت قاهره  
 محض حفظ اسلام و رعایت دین مسین و شریعت مطهره هر یک از برای مهمیت و روح قانون دولت  
 داده و همراه کرده بودند در کمال شکوه و جلال از برای اطلاع و اعلام حاجیان و زائران  
 احرام از محلات و بازار شهر بارک مبارک سلطانی آورده در میدان بارک همان یک و محمل را با آن  
 آرایش و شکوه نگاه داشته خطبه در کمال فصاحت و بلاغت بنام نامی حضرت خاتم الانبیا و یادگار  
 دین بنا به ختم کرده از دروازه دولت بیرون رفتند و فی الجمله بواسطه استقامت و کار دانی و مراقبت  
 محلی آرایش کرده بودند که در هر وقت در هیچک از سنوآت این زینت و شکوه نجان پذیرفته بود  
 و از سالهای سابق یاد امتیاز و اختصاص داشت چون فصل زمستان و موسم بارش و زینت  
 و احتمال ننگ و توقف در راهها میسر و دو حاجی مشارالیه بنا دارند که در روز نیت و هشتم همین  
 با زائران پتانته احرام از راه آذربایجان روانه منزل مقصود شود اگر چه در داخله هکلی از اخبار  
 مطلع شده اند درین و زمانه نیشکر ارگردید که در سایر ممالک محروسه هر کس عزم و اراده دارد  
 نجرگشته و تا آخر اینماه عازم شود (چون چراغ غلی خان جاکم خنده در انتظام جهام و لایستی شفیق  
 احکام دولتی محاسن کفایت و ولایت داری ظاهر کرده بود خدمات او در خاکپای مبارک در  
 قبول و استعجاب یافته بود با عطای یکیش بکلی بدن مبارک سرفراز و برسم خلعت در حق او مرشد  
 و انفاذ گشت که باعث مزید امیداری او شود) چون انتظام جهام قشون سواره و پیاده مملکتی خراسان  
 که سواره در آن سردات بلوازم خدمت جان نیشاری اشغال همیشه کمون خاطر خورشید  
 مظانر همایون است محمد و لیجان قاجار پیکر سپکی ساین استر اباد که بفرط کفایت و کار دانی و وفور  
 صراحت و شامت و جان فشانی در زمره چاکران دیوانی معروف و موصوف بود منصب سردار  
 قشون خراسانی سرفراز گردیده خلعت آفتاب طلعت زینت پیکر افشار خود نموده از رکاب فرود  
 افتاب عرض و همراه حشده الدوله و الی خراسان روانه شده که بسرپرستی انتظام امور آنها  
 قیام و اقدام کند و نظر بطور قابلیت و استعداد محمد ششم خان سپه مشاریف و وفور مرهم علیه شان  
 درباره او بیصدوست نفر عثمان قراول خراسانی از قرار فرمان قضا حسین با و ابوالفتح فرمودند  
 که بستان تمام مشغول سرپرستی آنها بوده بکمال نظم و آراستگی نگاه دارد (چون ابوالفضل و نوکر

۲۸۰۴

طوایف شاهسون بغدادی از موسلوک مباحترین سابقی نظم و مختل شده بود سرکار علیحضرت  
 شاهنشاهی خلدانند که در سلطانه محض مرحمت سرپرستی ایل و سوار و شاهسون بغدادی البعده بهنام  
 حسینخان سرتپ شاهسون که بوفور کفایت کار دانی و حسن رفتار معروف و موصوف بود موکول و موصوف  
 فرمودند و سران قضایان بایون شرف نفاذ یافته کیشو جبهه کرمانی هم برسم خلعت در حق مشارالیه  
 و عنایت کردید امورات فسون تو بخانه مبارکه و زنبور کچیان و افواج قاهره مشرقی بر کابک بایون  
 بروقی که بواسطه دانی دارد حاضر مشو کشته در محل مشو خودشان مشغول مشو مستند صاحب منصبان در  
 تعلیم قواعد و آداب نظام کمال مراقبت ادا دارند (صاحب منصبان فرانسو هر کدام از قرار دستور لعل  
 سپه سالار که عمل و شغل آنها را معین کرده بر سر مشغول معین خود بوده همه دوزخ تعلیم علم و عمل میکنند  
 و غفلت ندارند) (نظر بلا حفظ شایستگی استحقاق میرزا احمدخان پسر مرحوم میرزا تقی خان بنصب پسر  
 اول سرافراز کشته و کیشو جبهه کرمانی از صندوقخانه مبارکه در حق او مرحمت شد) (چون فاسخان سرتپ  
 فوج محسبان شفاعتی از قدیمی خانن و دولت جاوید دست علی بناد بنصب سرتپی اول سرافراز کشته و کیشو  
 پخته تن پوش مبارک مرحمت شد و مرض آذربایجان فرمودند که سرکشی امورات ابوالکحیمی خود نماید  
 سواره دوبرین جمعی لطف استخوان که نامور خراسان بود مرض شد بر کابک بایون شرف شد سپه  
 آنچه از بابت موجب حیرت طلب آنها بود با تمام در دیوانخانه نظام پرداخته مرض نمود) (در روز  
 سابق نوشته که عبدالله خان صارم آله دوله بعد از مراجعت از استرآباد معلوم شد که در موجب نوکر  
 افراط و تفریط کرده است فوج او را از او گرفته بجایش رسیدگی کردند آنچه از مال سبزه بر ذمه او قرار گرفت  
 تمام و کمال اولیای دولت علیه استرد نمود بسرباز نقد تحویل نمودند بعد از آن که مال سبزه از او مسترد  
 و فوج را هم حسب امر قدر قدر جمایون از او گرفتند بلا حفظ خدمات سابقه او که خواستند بکلی خدمات  
 سابقه اش بی اجر نباشد خرابی او را در انداخته کیشو جبهه کرمانی با مرحمت فرمودند که در جنبه  
 صاحب منصبان خارج فوج بر فتر بوده در دربار معتمدار جمایون مشغول خدمت مرجوعه باشد) (فوج بایون  
 در مراجعت از سفر استرآباد قدری پیشانی بی نظم شده بود لهذا سرسنگی فوج مزبور را بر ترضی قلیخان  
 که خانزاد و تربیت یافته دولت علیاست مرحمت فرمودند که کمال مراقبت را در تمامی و سایر ملزومات  
 فوج مزبور نماید) (چون سابق بر این در روزنامه های اخبار از داخله و خارج القاب یاد میشود  
 و این معنی باعث میشد که القاب هر کس کمتر نوشته شود در مقام بخش و کله از مباحترین و زنا میسر  
 لهذا حکم بایون شاهنشاهی صان است آیام شوکت عن التناهی بشرف نفاذ مقرون گردید که بعد

۲۸۰۵

بکلی نوشتن القاب برای هیچ مردم از داخله و خارجیه موقوف باشد و مسلمان اسم و لقب  
 معینه هر کس را بخوید که در پیشه و زمانه نوشته شده است بنویسند سایر ولایات  
 آذربایجان بقرار یک در روزنامه اوایل شهر جمادی الاولی نوشته اند هوای تبریز  
 بحمد الله تعالی در کمال خوشی و سلامت است این اوقات بارش خوبی آمده زراعت بسیار  
 نافع است و نرخ جنوبات اجناس با کولات و زبروز در تنزل است چون پیشتر پاره مردم  
 احتکار را شعار خود ساخته بودند بعضی جنس بیواسطه فی الجمله تعصیری یافت این اوقات  
 که رحمت الهی شامل حنلابق کشته و از سخط پادشاهی اندیشناک شد از خیال احتکار  
 افتادند عسوم ناس بشکر و سپاس فراوانی نعمت و ارزاینه و بدعا گویند  
 از دیار عسور و دولت شاهنشاه حجه روحانده اشتغال دارند (اهل نظام باران) <sup>مستحکم</sup>  
 تمام از صاحب منصب و توپچی و سرباز بخدمات محوله بخدمت مشغول میباشند قروین از قرا که در  
 روزنامه آنجا نوشته اند امورات آن ولایت از هر جهت قرین نظم و انضام است و قاطب  
 در عایا و برایا با سودگی و فراغت مشغول کاسبی و رعیتی میباشند و امسال تخم کاری در  
 دما خالصه و اربابی بسیار خوب شده است اگرچه باران و بارش شده بوده است  
 ولیکن در اکثر دما خالصه و اربابی از آب و دخانه و قنات کبشر تخمناکه  
 کاشته اند سبز نموده و برف هم دو مرتبه خوب باریده و باعث امیدواری  
 رعیت و ارباب گردیده (چون همه ساله رودخانه که در وسط کبشر میگذرد  
 درین وقت قدغن میشد که پاک نمایند که اگر آب بیاید ضرر و خسارتی بشرزساند  
 باز مقرب الخاقان پیشکار بکده خدایان محلات قدغن نموده و فراش کاشته که  
 هر یک حد و رسد خود را از رودخانه پاک نمایند و حال مشغول پاک کردن میباشند  
 دیگر آنکه امورات کزنده و کشیکی محلات در نهایت نظم و انضام است همه شب کزنده  
 و کشیکی در محلات و کوچا کردش میباشند و مشغول محافظت میباشند و دزدی  
 واقع نمیشود و برایا در عهد امن و آسایش بدعا گوئی دوام عمر و دولت  
 شاهنشاه حجه خلد الله ملکه و سلطان اشتغال دارند (شجوه ترا سوران  
 و غده و گاه آنها را مقرب الخاقان پیشکار باطلاع عالی شان ولی سبک پنجاه باشی و کریم  
 سلام تمام و کمال پرده بسته و قبض دریافت نموده اند

**خراسان** بقراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند صفحات خراسان محدوده و اینست در کمال غایت  
 و فراغت است رعایا و برایا سرودین ساکنین شب روز با آسودگی و بیاختاری از دیار عمر و دولت  
 ابدت سرکار علیحضرت شاهنشاهی خلد آنکه در سلطانه مشغول باشند و در باب اولی سده حاکم  
 در بند است آب الاحسام سلطنت سوان خراسان را بر قیامت داده اند که هر کدام در ستر آق در  
 که عبور سواره ترکان از آنجا است چهل روز است اولی بکنند تا باین روز که عاچاه امیر حسین خان با سیصد  
 سواره چهل روز بود و در اول بود که آمد عاچاه بهادر خان بکلی سبکی بسبب صد نفر سواره خراسانی در شهر  
 روز شنبه دوازدهم شهر جمادی الاول با بدارک چهل روزه باق در بند رفتند و بعد از چهل روز عاچاه  
 حسنعلی خان حاکم خواف امور خواهد شد هر کدام از چهل روز با صله قراداده اند تا مراجعت آن یکی در  
 چهل روز بهبهاشان تر دماغ میشوند و خوشان هم بکار خود رسیدگی میکنند این اوقات الحمد لله  
 از اتهامات آب مستطاب الاحسام سلطنت خوب غایت است که شتر داران سیمه زیاد از آق در بند  
 میکنند و می آورند در شهر مقدس میفرستند سایر سوارهای عراق و شاهسون که از دار اکلان  
 شده اند در میان شهر در منازل یکچه آنها معین شده است مشغول طاق کردن سپهائی خودشان  
 هستند که بسیار سردماغ باشند اگر چنانچه ما موریتی بجائی داشته باشند فی الفور حرکت نمایند و در خارج  
 خوب حرکت میکنند و کسی از بیت و آزارشان نمیرسد همچنین فواجیکه در خراسان هستند هیچکدامشان  
 از بیت نمیرسد از جمله فوج مشکین ابو جمعی عالی مقام خان حسنعلی خان سرتیپ صدی از میان بچده و پسوچه من الوجوه  
 بانیک بد احدی رجوعی ندارد مردم شهر رفتار آنها زیاد رضا مندی ارمود خود سرتیپ هم بطملمبار خوبی  
 در نیروهای خفیه سیستانی در میان محقق مقدس که بصحن مشهور است از دکان زکری سرکار فیض آثار شبانه در بار کرد  
 قدری سبب اطلاع و بهره بود و صبح قدری از آزار برده در بک کان زکری دیگر بهر دست زکری ساخته بود که اطلاع  
 زکری سرکار فیض آثار است و در گرفته باطلای خبری نزد حاجی مصطفی قسلی یکدینا شبانی سرکار فیض آثار آورده  
 از وجویا شد که این طلار از بجا آورده خبر ما آورد و قبول نکرده سبب آنرا که انداخته در دست مستحق  
 نموده شد تا عصر بر نماند گفت در بار کنسید استن ابکوم در بار باز کردند گفت از طاق زکری سرکار فیض آثار شرم  
 برداشتم و آنروز هم در بک طاق او انکرده بود چون اگر در دیدن زیاد اطلاع و بهره برده است جو یا شد که در میان  
 چند استمالی بسته در جوی خایان بسته ام بر دند جانارانشان و در میان حجی آجیند و شمال که قریب بکیر طلار و بهره  
 پیدا کردند و بعد شمس مقرب خان متولی باشی بر دندو ایشان هم بحضور نواب الاحسام سلطنت و بعد  
 از تحقیق و غورری در دست حکم حاکم شرع هر دو دست سیستانی را معطوف کرد

۲۸۰۷

### اخبار دول خارجی

در روزنامه های انگلیس نوشته اند اگر چه نواب ولیعهد علیحضرت پادشاه دولت انگلیس که از پیش  
 قبل تبه مرتبسی داده اند در روزنامه ها نوشته شده است محض اسم سر تپی است نباید نواب مغربی  
 کسب استحقاق باین مرتبه بکند و تحصیل معارف این مرتبه نماید اندک است که نواب ولیعهد  
 اذلا باید بکتاب اعدادیه و بعد از آن بکتاب حرته داخل شود و نیز در روزنامه های انگلیس نوشته اند که نواب  
 پرنس الفردیسی کو چکتر از نواب ولیعهد علیحضرت پادشاه انگلیس که از برای تحصیل فنون بحریه در مدت  
 پنجسال از لندن سوار کشتی گشته و بسمت مالطه و آنصحنات سیده بوده است نظر بانکه نواب مزبور پادشاه  
 بوده بهر مملکتی که رسیده است از جانب مالی و غیره کمال تقظیم و تکریم بعمل آورده اند چون نواب مزبور  
 بجهت تحصیل فنون بعزم سیاحت بیرون آمده است که رعایت تبه ذاتیه شخصیت او لازم می باشد  
 شاهزادگی اند از جانب علیحضرت پادشاه انگلستان رسماً با طرف اعلان و اخبار شده است که در  
 حق نواب مزبور بنظر شاهزادگی ملاحظه نمایند موافق همان مرتبه که دارد احترامات در حق او  
 بعمل آورده باشند (در روزنامه های فرانسه نوشته اند شهر توخچین که در سمت جنوبی چین واقع  
 و یک حکومت مستقل است اصول و قاعده و قانون اینها هم مثل چین بود مانند سایر ایالات چین  
 با کدهای اجنبی رعایت نکرده و اما نسبت نمودن چندی قبل از تبعه دولستین فرانسه و اسپانیا بچینکه  
 در آنجا بوند خسیلی است و حاکمیت سائیده و اذیت آزار نموده اند و دولستین فرانسه اسپانیا اتفاق  
 نموده مقدار کافی قشون بحیره و بریه بشهر مذکور فرستاده نامور نموده بودند که در روز اول ایلول  
 سال بانجا رسیدند قری از آن محکمت اصنبط و تصرف لنگرگاه در یار آنوقتیه کرده و بجهت تنظیم  
 عدنامه ناموری نزد حاکم آن شهر فرستاده بودند بقراریکه در روزنامه های تازه نوشته اند از روزیکه  
 قشون بانجا رسیده است بانجا استیلا یافته و صنبط نموده اند آن محکمت از خاک فرانسه استخا ذو عقد  
 کرده و بزرگداره و حکومت فرانسه بگرفته اند) (در روزنامه های روسیه نوشته اند چنانچه در روزنامه  
 پیش نوشته شده است مدتیست از جانب دولت در مواد زر محبت و مراشت فوق العایه غیرت  
 و حمیت ینمایند و بجهت تحصیل و تقویت اصول زرعیت و فلاحت نامورین چند با طرف فرستاده بودند  
 بموجب اخباریکه مجدداً رسیده است از آنجا صیگه در تحت اداره جناب جنرال قورتنی و ذمیه بر  
 تحصیل این اصول اطراف رفته بودند معاودت نمودند مجدداً چند نفر نسبت قفقازیه و کرچان  
 مقرر کرده و فرستاده اند) (در روزنامه های فرنگستان نوشته اند که در اوایل پریم التسانی در

اسپانیا در شهر لوپیل زلزله شدیدی واقع شده خیلی خانه و دکا کین خراب گشته و در او اسط آنجا  
 در پورتنیک نیز زلزله شدیدی شده است که قلاع و قلعه و خانه و دکا کین خیلی خراب نموده از نفوس  
 تلف گشته است که تا حال چنین زلزله اتفاق نیفتاده بود (در روزهای فرانس نوشته اند در  
 دولت فرانسه در کنار و یادگر کاها کتابخانه درست کرده اند از انواع و اقسام کتب که  
 متعلق به علوم بجزیه باشد در آن کتابخانه گذاشته اند و قرار داده اند که ضابطان و نهران عسکریه بجزیه هر  
 عبور و مرؤ نماید و طالب تحصیل فنون بجزیه باشد ازین کتابها بخواهد بدون مضایقه بادهند  
 شخصی از امانی امریکا از اصحاب دولت و ثروت بامیدواری اینکه چهار روزه از امریکا بلندن پیاید  
 بنامی کشتی و داپورا از آهین شکل طبق نموده که چرخ دارد و بطور دیگر حرکت میکند و خیلی چیز غریب  
 الشکل عجیب چاشدا حداث کرده است علی الظاهر این داپورا پیاید بسیار سریع التیر باشد  
 بقراریکه در روزهای امریکا نوشته اند آن شخص این اوقات در ولایت مشغول تجربه و امتحان  
 کردن داپور مزبور است) (در روزهای فرانسه نوشته اند که از داپورهای قومپانیه مساجری  
 بخرند و داپور در حینیکه از اسلامبول برسیلیا میرفته است این سار دانیان و فورسیفا شب طوفانی  
 شده و کشتی بخیلی افتاده و خیلی شکسته از پیرون آوردن خود کشتی یوسی حاصل آمده و تار داده  
 بودند که اسباب ادواتیرا که در او بوده پیرون پا و رند از جانب دولت فرانسه و نفرمند  
 شده بودند و دوره سفینه مزبوره از شدت تلاطم دریا از هم پاشیده و بخیلی افتاده بوده است  
 و خودش چون از آهین بوده از هم پاشیده گشته سوراخ شده بود و از اینجا خلاص دادن این  
 بسیار دشوار بنظر می آمد آن دو نفرمند سس بر بطور بوده بر وجه اسهل سفینه مزبوره را خلاص  
 نموده و باطله کشتیمای کوچک بسته برسیلیا آورده اند چون خلاص کردن آن کشتی از آن سنگ  
 بسیار مشکل بود درین باب خدمت نمایان آن مهندسین آشکار کرده مورد اکرام و عذر گشته اند  
 در روزهای فرانسه نوشته اند مجالسیکه در پاریس بای تحت فرانسه منعقد میشود احدی از طایفه  
 یهود در آن مجالس مداخله نداشت این اوقات از جانب علمحضرت امپراطور فرانسه امتیاز  
 داده شده مقرر گشته است که من بعد از ظایفه یهود در آن مجلس هم داخل بشوند و بخدمت  
 سایر هم نامور آیند) (در روزهای مسامی امریکا نوشته اند که جمهوریة مجتمعه امریکا  
 عبارت از سی و شش جمهوریة است چون در چارده جمهوریة اینسپاس و شرامی اسپر  
 جاری جایز است پیش ازین که تحریر نفوس در آن جمهوریة نامی نمودند در مالک آن چارده



جمهوری را از دست کرده و متجاوز میسر بوده است) (در روزنامه های انگلیس نوشته اند که تلغراف  
 که در آنجا کشیده شد اوایل چنان ظن و تصور کرده بودند که مخبر است از تلغراف جزوی خواهد  
 بود و به تحریرات تلغراف نیز وقت و قیمت وضع و تسرار داده بودند بعد از آن ملاحظه کردند  
 که یومیت متفرقه زیاد و حساب تلغراف کشیده میشود در ثانی تسرار داده اند که بعد ازین بجز  
 تلغرافیه خواهد حسد فرسخ و یا دویت فرسخ و یا زیاد کم باشد در صورت تساوی سی شاهی اجرت  
 بگیرند ازین منزل اجرت تلغراف خیلی آدجا بکشیدن تلغراف شوقند کشته اند و اکثر امورات  
 خودشان ایام مخبرات تلغراف صورت میدهند مثلاً شخصی سرش را جای دیگرش دردی کند  
 و خواسته باشد طبعی پاورد باید مبالغی با مزد و اجرت به حال این شخص ناخوش ببلعند افغان  
 میروند و از طبعی که در نظر در دبا تلغراف سوال علاج ناخوشی خود را میسند ای آن طبیب علاج  
 جواب میدهند و اخبار میسند یا ناخوش از آن قرار معمول میدارد و همچنین در سایر امورات نیز  
 رفع و رجوع با مخبره تلغراف میکنند) (در روزنامه های فرانسه نوشته اند در اکثر قطعات اروپا  
 خصوصاً در ممالک فرانسه حاصل و غذا مسال بسیار زیاد شده و خوب آن بوده است از جهتی که  
 در صین حاجت تنگانی افتاده نشود در یکصد و شصت شهر فرانسه انبار بزرگی از برای غله از  
 جانب وکیل داخلیت حکم شده است بازند و ذخیره در آن انبارها بگذارند) (در روزنامه  
 فرانسه نوشته اند آباءالی که در شهر پاریس جاری است از برای خوردن خوب نیست و بسیار بد  
 و از برای اصلاح این آب از حمت بسیار می کشیده اند چنان شده است درسی فرسخی پاریس  
 در یک محلی آبی بغایت لطیف و لذیذ و خفیف است این اوقات قرار داده اند که آن آب را از  
 نزدیکشند و بیاورند بشهر پاریس و جریان بدهند) (در روزنامه های فرانکستان نوشته اند در حال  
 فرانسه خیلی قلعه از قدیم است بقاء قدیم بدون ملاحظه علم هندسه آنها را ساختند که در وقت  
 حربه دعوا بکار میخوردند در گسترش آنها مالی متفرقه خیلی متوطن شده اند از جانب دولت  
 بخراب کردن بعضی آنها حکم شده است از جمله این اوقات از برای خراب کردن سور و  
 حصار قلعه نیل نام چهار هزار نفر از عا کرد دولت فرانسه فرستاده اند) (در روزنامه های فرانکستان  
 نوشته اند در سواحل لندن از لند قلعه تا یک است و توپها نیک در آنها گذاشته اند از این توپها  
 اندک راهی تندی است این اوقات از جانب دولت انگلیس تسرار داده اند که این توپها را  
 بقدر طرز و سیاق جدید برزند و بگذارند

روزنامه وقایع اتفاقیه بیایم پنجشنبه بیستم جمادی الاخری سن ۱۳۰۴



### اخبار چند ممالک محروسه پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

از آنجا که شیخ خان امین الملک علاوه از خدمات سابقه او که در رکاب خاتان مغفور و نایب السلطنه  
 مبرور و شاهنشاه خلد آرامگاه اسکندر الله تعالی فی دارالشور خدمت کرده بود درین دولت بجا  
 مدت نیز از بدو دولت بلوازم خدمتگذاری قیام و اهتمام داشت و حسن خدمت خود را در  
 حضور همایون شاهنشاهی ایداً همیشه ابداناً عیش بمنضمه طور رساند خاصه در امور بیت صحای  
 فرانکستان که سفارت کبری نامور شد بطور خوب و خوش از عهده برآمد لکن سرکار علیحضرت  
 قدر قدرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه او را بلقب وزارت حضور همایون و منصب سردار  
 محترم مبارک و ریش سفیدی ریاست عمده خلوت خاصه همایونی سرافراز فرموده یکوش

جبهه تریه از بلوسس بن مبارک بر حمت فرمودند و در روز یکشنبه بجدیم بر حسب امر اقدس  
 همایون جمیع رجال دولت اعیان حضرت سپهر سلطنت در خلوت کریم خانی که بجهت منزلت محض  
 او حسب الامر مقرر شد از قرار تفصیل مجتمع آمده مبارکبائی گفتند و شیرینی نهاده صرف نمودند

شاهزادگان عظام  
 حاج محمد لیمیزا بجا الدوله سردار میرزا اعصاب السلطنه  
 ارکان دولت  
 آقا میرزا اسدالله مستوفی الممالک سپهسالار حضرت الدوله وزیر دربار  
 امیرکبیر امیرالممالک امیرالممالک امیرالممالک  
 و غیر از اینها هم از سایر چاکران دیوانی از چیل مستوفیان و صاحبمضامین نظام از سرتیبان

۲۸۱۱

و در سنان و غیره جسمی حضور داشتند

# سواد دستخط مبارک همسایین

منصب مهورداری که از جهت مناصب دولت است ریاست عمده خلوت که هم از مناصب بزرگ دولت است بالقب و زارت حضور که از القاب عالی است باین ملک الثقات فرمودیم که در کمال سرفرازی مشغول خدمات حضور و فرمایشات ماباشد فرمان صادر شود شهر جمادی الثانیه ۱۲۲۵

نظر بانکه حسام السلطنه از خراسان برکاب فیروزی انتساب احضار شده بود در روز یکشنبه بعد هشتم اردشاه بر حسب امر قدرت درهایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه امیرزاده جسمی از چاکران دربار گردون چشم که اسامی آنها از نیقار است اینها را استقبال کرده

شاهزاده محمد میرزا امیرزاده میرزا محمد باقر میرزا ابوالفتح خان میرزا آقاجان میرزا ابوالحسن خان میرزا ابوالقاسم خان

میرزا حسن خان میرزا شهاب خان میرزا محمود خان میرزا آقاجان میرزا حسام

با احترام تمام وارد شدند (چون بر ایام میز پر حشام الدوله حکمران عربستان درستان

دیروز حسام در عربستان آید چگونه است در خدمات سرحدیه و دفع و دفع اشعار و مفید باین

است تمام عمل آورده و حسن خدمتگذاری او در خاکهای هایون معلوم و مشهود گردید از جانب سنی

بخوانب هایون شاهنشاهی خلد الله ملکه بقبضه شمشیر رقع در حق او مرحمت و با موقوفه فرمان

حایت آمیز غوغا یافت) (نظر بوفور مرحمت غایت نوگانه دربار پسرده خان شجرت

خاص این اوقات یکراس اسباز سبهای خاصه سرکاری بمشارایه مرحمت) (نظر بانکه

آقا محمد حسن صند و قدر از رعهده محاسبه چهار ناله صند و قحانه بدرستی و خوبی برآمد بعد از آنکه

محاسبات و بعضی حضور همسایون سرکار آنحضرت قدر قدرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه

رسید و معروض حضور همان مقبول افتاده موازی یکثوب جنبه تری خلعت باو مرحمت فرمودند

چون بهتر نگارشش روزنامه برنت که اغلب اخبار سایر ولایات و دول خارج که در صفحات

آخر مرقوم است اولاً صورت انطباع یافت بعد اخبار دار کجستاقه الباهره که در صفحهای اول

مرقوم است بر حسب حکم جانتطاع همسایون شاهنشاهی روحافداه منطبع میگرداند در روزنامه

سابق بانکه در صفحهای سوم مرقوم شده که بجای نوشتن القاب در روزنامه برای جمیع مردم موقوفت

در صفحهای آخر برای بعضی اشخاص درخواجا سایر مالک لقب مرقوم شده است نویسنده مباشر

۲۸۱۲

روزنامه هم منتقل شده بودند که آن صفحہ را عوض کنند و لهذا بطلان در آن صفحہ ای چه خبر  
 القاب فاش شده است بعد از این جب سایر ولایات امرت قیصر ہمایون نوشتند نحو این  
 صفحہ ان از تکرار یک در روزنامه بحج نوشتہ اند امور آن ولایت از بہر حجت عظیم و حسیان  
 بدعا کونی دوام عسود دولت سرکار حضرت اقدس شاہنشاہی خلد اللہ ملکہ و سلطانہ اشتغال دارند  
 عیسی خان عتقاد الدولہ حکمران صفحہ ان در کئی وجہی امور بدقت تمام خود رسیدگی مینماید از جمله  
 رخت شوی برب جوئی کہ معلق بدرب خانہ شخص آجری بودہ رخت شونی مینمودہ است با او نزاعی کردہ  
 و از قرار رخت شوی خودش یکدو پارچہ از رخت مردم را در آن صین آب بدہ است ضعیفہ بدون اینکه  
 احدی او را مانع شود در اندرین رختہ عارض شدہ است فی الفور حکم با حسن را آمد تا جبر شدہ بقدر  
 یکساعت تمام در تنقیرہ رسیدگی نمودند و حکم کردند کہ اگر در اثنای منازعہ رختی ازین ضعیفہ آب  
 بردہ آن شخص تا جبر از غرامت برآید تا من بعد از غنیا نسبت فقرا طمکم و تعدی نشود  
 خلعت آقاب طلعت و فرمان ہمسر لعلان ہمایون کہ در اعطای لقب حلیل عتقاد الدولہ بافتخار متری  
 شرفصد و رد عنہ نفاذ یافتہ بود و در چہار شنبہ شانزدہم شہر جدی الاولی عموم اعیان ولایت اہل  
 در بخانہ با مغزالی اللہیہ باستقبال در باغ قوشخانہ کہ مکانست میمون برای خلعت پوشان نقد و خلعت  
 آقاب طلعت مبارک را طرز اسپکرافتار خود ساختہ از سرافتاری لقب حلیل کہ از مصدر رخت  
 کبری عنہ اعطا یافتہ بود لوازم شکر گذاری بعمل آوردند و مضمون نشدن مبارک را گوشزد خاص  
 و عام نمودہ بنام نامی ہمایون شاہنشاہی ابتدا عدد دولت خطبہ بلند ادا شدہ بعد از صرف  
 شربت شیرینی مراجعت کرد (چون صنبط و نسق زراعت ذات خاصہ قراء خالصہ در آن ولایت  
 عمال مورات لازم است عتقاد الدولہ مقرر داشتہ اند کہ اشخاصیکہ درینکار تجارت تمام دارند  
 بلوک رختہ بکمال دقت تخم کاری و بذرافشانی نمودہ بیسوجہ حیف و میلی واقع شدہ باشد  
 اسکام مبارک کہ محض رفاهیت عانہ برایا در یا در باب تخفین اہل ولایت از بلوک و بلدہ شرفصد  
 یافتہ بود کہ باستحضار باہم جمعہ بمردم دادہ شود در روز جمعہ در مسجد جامع گوشزد تمام اہل  
 رشتہ موجب مزید دعا کونی و شکر گذاری کردید ( در اوایل ماہ جمادی الاولی عتقاد الدولہ  
 حکمران صفحہ ان جبہ رسیدگی امور جبہ خانہ و ساختن تفک و خدمات محولہ بحاجی کاظم خان  
 جبہ دازہ جبہ خانہ رفتہ فردا اسنادان کار و عملجات کار نامی آنسار بدقت تمام رسیدگی  
 نمودہ ہر یک از تو جہات عنایات اولیای دولت علیہ د لکرم و خرسند نمودہ مراجعت کرد

۲۸۱۳

اگر ما نشان از قرار یک در روزنامه آنجا نوشته اند امورا آن ولایت از هر جهت بحال منتظما مراد از  
 بود عایا و بر آساکین و متردین در نهایت ائیت و رفاهیت عای و وام دولت بد فرجام و بر  
 و کاسبی خود اشغال دارند و زار آسایش و طیب خاطر عبور و مرور نمایند (این اوقات که  
 عمادالدوله حکمران کرمان نشان بکار سمت بر نواح رفته بودند در کار دلسرایی کردند و سر رهنس  
 و مادیان از دو نفر زوار زنجانی در برده بود مشارالیه آمده به فتح الله خان نایب الحکومه اظهار داشته  
 مشارالیه فوراً چند سوار بخص سارفتین فرستاده دهستان روزانهار سپردانموده بصاحبانش نمود  
 و در درامجوسس نموده هنوز در حبس است (میرزا علی اکبر شکر نویس از قرار فرمایش عمادالدوله با  
 سواره تانگی و سربازان کلیانی رسیدگی نموده فسر با مبراسامی آنها را بحضور عمادالدوله رسانید  
 چون جوانی کرمان نشان هنوز سرد نشده در صین اعتدالت سربازان کلپایگانی که ناموران سردند  
 هم روزه در میدان سبزه حایه بمعنی محمد آفت مشغول مشی میباشند و فرج الله یک یاور تو بجان نیز  
 هم روزه با تو بچیان در میدان تو بجان مشغول مشی اند الله خان سرتیپ سواره و سرباز  
 گوران بقرار امر عمادالدوله دو دسته سوار و سرباز موکل برقرار نموده که هم روزه زایرین از قصر  
 شیرین برداشته بخانقین میرسانند و مراجعت بنمایند نیز و از تکرار یک در روزنامه آنجا نوشته اند  
 امورا آن ولایت در بحال مضطرب و از هر جهت ائیت حاصل است و عموم مردم استوه خاطر بد عای بها  
 عمود دولت شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه اشغال دارند (چند روز قبل در میان مردم شهرت  
 یافت حاجی زینل نام که پدرش از اصحاب کنت بوده و خود بیت پرچ پریشان او صنایع شده بود  
 شبی با زن خود بجهت آنکه شاید چیزی پیدا کنند زمین اطلاق پدر خود را کند که کوزه بسیردن آمده بود  
 مقصد و پنجاه ریال بکه خاقان حضور و آقا محمد خان در کربستان در آن کوزه بوده آنچه را بسا در زن  
 خود میداد و او قدری را بصرافت داده قدری را خود بر میدارد و با بجمده سی تومان آن مردم میدهند  
 نیزه تومان بخرید داده است و تا زار برداشته بکجه میرود پدر ضعیفه و قانع را بیز شیخ پیشکار میرساند مشایخ  
 او را خواسته تفهمنار نموده ضعیفه حقیقت اظهار میکند درین در آنکه حاجی زینل از کوزه آمده باز میرا شیخ  
 او را میطلبد و تحقیق و غوررسی نموده محقق میشود که سخن ضعیفه راست بوده و شخواه زیاده از آن نبوده است  
 و او را مخص مینماید که در صورتیکه از دارا بخلافه او را بخوانند و او را طایفه بلوچ درین روز از آرا  
 خراسان با قراولانهای زمین العابدین خان آمده بودند در الیه با جمعیت خو در ستره نهارقه چهار به بنمایند اگر چه پنج تن از  
 آدهای او مشتول شده بکنن از زاده نفر از بلوچ را کشته جمعی را نیز مجروح ساخته آنها را شکست داده منزم میاند

۲۸۱۴

کرمان از قریه که در روزنامه آنجا نوشته اند سپهبد رشتن بنفر کرمسیرات در نهم شهر جمادی  
 الاولی در چایار خانه نقل مکان کنج چهار عسده توبت و کیزاده قس و دیت و پست و پخ بار قورخانه  
 بیرون آورد (از قضای الهی در روز دوازدهم شهر جمادی الاولی شیخ الاسلام کرمان بر حمت  
 ایزدی پوسته مجموع دکا کین است و رضا قلینان برادر سپهبد و میرزا محمد شیکا در تشیع جنازه  
 حاضر گشته لوازم تعزیت در می بعل آوردند و با نچمت چند روز رشتن او با خیر افتاد **کاشان**  
 از قریه که در روزنامه آنجا نوشته اند در قریه آران زن پهلوان احمد نام بار رضا نام آراینه سروکار  
 داشته و بعضی از اقوام واقارب آنها نیز استخوانها بر سر سینه بردی آنها نمی آورده اند روزی ضعیف  
 بار رضای مزبور هم استان میزند شب رضا بجنازه آمده و لاسلی بر سر پهلوان احمد میزند او را  
 پیوش نموده در سرداب می اندازد و بعد با تفاق ضعیف در سرداب رفته سر پهلوان احمد را با کار  
 میزد و استخوانهاش را خورد نموده در زیر خاک پنهان میکنند صبح اقوام پهلوان احمد پسر  
 که از زن دیگر داشته در محفل او بر آمده و ضعیف جو یا میشوند که دیشب احمد در خانه بوده و حال  
 پیدا نیت کجا رفته بسیار می شود بعد آنکه از رابطه و آشنائی رضا با ضعیف  
 استخوانها داشته اند بخدمت امیرزاده محمد جعفر میرزا رفته و متابع را بیان و عرض نمایند که  
 احتمال قوی میرود که رضا با ضعیف او را مقتول ساخته باشد امیرزاده رضا را احصا  
 نموده بانکه تنبیهی اقرار نماید و تحصیل ابا التمام اعتراف و اهلان میکند محمد حسن خان حاکم کنگه  
 مطلع گشته آدم فرستاده رضا و ضعیف را با اقوام و پسر پهلوان احمد بشری آورد و ایشان را  
 بجز جناب مجتهد الزمان حاجی ملا محمد میرافه میفرستد جمعی که از رضا استدار و اعتراف  
 شنیده بودند حتی پدرش هم شهادت میداد و بعد از خود رضا مراتب اعلیٰ تعقیل بیان نمود  
 اعتراف نماید و در محضر جناب مغزی ایستاد و جرمش شری رسیده حکم قتل رضا را صادر  
 نمودند محمد حسن خان حاکم قائل را بدست ورثه مقتول داده در میدان پسر پهلوان احمد مقتول  
 که زیاده از ده سال ندارد سرش را برین بسزای خود ساخته زنی کار خود رفت از پای  
 از قریه که در روزنامه آنجا نوشته اند اسکندر خان سردار چندی است که از مراغه وارد  
 شده پیکر پستی و عموم که خدایان و وکیل و کلانتر شرایشان را دیدن نموده احترام کرد و در  
 در دیوانخانه و لیعهد مغفور میبرد می نشیند اموراتیکه بایشان عرض میشود اکثر ابدیو آنجا رجوع  
 نمایند و باستخوانهای دیوانخانه تحقیق مراتب کشته طنی مایفقال میشود

۲۸۱۵

# احزاب و احوال

در روزنامه های فرانسه نوشته اند جناب بهادر حکم دار شهر نپول که در هندوستان واقع پناهندار نهجه  
 ساحت پاریس می آمده است پیش از ورود خود و نفوذ مردم فرستاده خانه مخصوص از برای  
 جای کرده بودند متی در آنجا اقامت کرده و غریمت لندن کرده بود چند می نیندر آنجا توقف نمود  
 از جانب دولت انگلیس خصمیت یافته نسبت شامات غریمت نموده است که در انصافات توطن و توفیق  
 در روزنامه های میانه نوشته اند چون مصارف دولت بیشتر از داخل ولایتی بوده است و مدتیست  
 در سکر تسویه داخل و مخارج هستند این اوقات از جانب دولت قمار داده شده که امور دولت  
 منحصر به وکیل باشد که عبارت از وکیل داخلیه و خارجیه و مالیه است باقی کلاً لغو و موقوف  
 امورات متعلقه بکلای عربیه و بجزیه و صنایع و زراعت و تجارت و صنعت در تحت حمایت و  
 ادائن این و کلا باشند از باب قلم این و کالتها کیفیت که بمانه سر رشته دار است در پیش این و کلا  
 نشه خواهند بود دولت و ضابطه ایالات و ولایات نیز موقوف خواهند بود تا مورین بلدا در حین  
 وقوع مصاح و لقی مراتب استوسط لغزاف کاشده و بیان نمایند (در روزنامه های فرنگستان  
 نوشته اند در ممالک دولت ناپولی و حکومت پاپ چون از جانب مالی که در آنجا ساکن و متوطن باشند  
 اقیته خاطر جمعی اند هر ساله بقدریکه قشون برای این ممالک لازم میشد تا مورین بمالک ایو  
 بحر فرستاده از آنجا بقدر کفایت با مواجب معین قشون میکردند این قساده قانون در نزد جمعی  
 ایو بحره خوش آیند نوشته قدغن اعلان نموده که خاصه ترک و وطن خود نموده خست بار خدمتکاری  
 دولت دیگر نکنند این اوقات بجهت فرستادن سمت هندوستان بدولت انگلیس قشون لازم  
 بوده است تا مورین بمالک ایو بحره میفرستند که از آنجا بقدر کفایت با مواجب اجرت قشون  
 بگیرند تا مورین بعد از ورود معلوم میشود که قشون گرفتن را منع و قدغن کرده اند پس از داخل  
 مملکت خارج گشته بسرحد میروند و از سرحد با نوشتجات مخصوصه باروزناجا با مالی ان مملکت  
 اعلان و احزاب میکنند که هر کس میل قشون شدن داشته باشد اینجا باید و قساره مواجب خود را  
 داده اسم خود را بنویسد این کیفیت که بجمهوریه معلوم میشود در قشون مالی ان مملکت را پان سرحد  
 دوباره قدغن مینمایند تا مورین دولت انگلیس از سرحد بکان دیگر میروند و در آنجا بدعوت مملکت  
 مشغول هستند و مالی آن ولایت میروند و اساسی خودشان را بنویسند (در روزنامه  
 جریده الحوادث اسلامبول نوشته اند والی مصر از جهت مخصوصی رکوب خودش یک قطعه

۲۸۱۶

واپورستی بسجید بلندن سفارشش معده بوده است که باز ند بموجب اجبار می که این اوقات رسیده  
 گشتی مزبور را در لندن با تمام رسانید و با سکندر تیا آورده اند (و نیز در جریح الحوادث نوشته  
 شخصی که صدها از محله قاسم پاشا بوده است از چندی قبل در جوار مسجد سلطان سلیم خان خریده  
 والده و کتیزش در آن خانه می نشینند مشهور و مستی بر قریب خلیل می باشد درین اوقات بلباس زنانه  
 متلبس گشته و خود را مانند زما زینت و آرایش داده در شکل و هیئت و اطوار از زن چسب فرقی نداشتند  
 از تمام زمانه پس از آن آمده و در بغلش هم یک بچه اسباب حمام داشته و میرفته است از ما مورین  
 صنبطیه بطوری ببرد بودن او حدث و مظنه میرند او را بهمان هیئت و قیافه گرفته و صنبطیه میرند  
 چونکه در صورت او مطلقا اثر موی نبوده است و کیسوایش نیز تا کمر ریخته که در کتیزنها مانند آن  
 کیسوا نمیشود لند بازشک و شبه در ذکر ریت او میرفته است از خودش تحقیق سبب تغییر قیافه بنمایند  
 تقریر میکند که با زنی لغت نام رفیق مستم و میخواستیم در هر جا و اوقات با او باشم از پنجه خود در این  
 لباس متلبس کرده ام در حال از جانب صنبطیه آدم میفرستند و اسناد و سایر عملیات انجام را طلبیده و  
 حاضر نمایند که این ایشا سیدیه میگوید این مشتری حمام ما حوریه خانم است همیشه بجام می آید  
 سرش را میشویم و کیسوایش را اینا پیچیم و میگردانیم این ایشا سیم خانم خوست همیشه با محبت و نهایت همسنگ  
 بعد حمام اظهار نمایند که این زن نیست مرد است تعجب بنمایند که چه طور شد مشتری حمام ما مرد کردید  
 نظر بر آنکه این شخص صاحب حسن بوی ده است در قد و قواره هم مانند زنانه و مدتی هم هست بلباس زنانه  
 متلبس است و در خانها و در حمامها با زنها مشغول بوده و رفاقت و آشنائی با خیلی از زنها داشته  
 و دل اکثری از مردان را هم برده بوده است احتمال میرفته است که شغل و عمل او دردی بسبب باشد  
 و از خانه و حمت ما خیلی اسباب اشیا سرقت نموده باشد در صنبطیه او را نگاه داشته برای  
 اخبار ک نیکه او را زن میدانند و آشنائی داشتند و غرابت اینکه شباهت بهم اعلان کرده اند  
 و نیز در جریح الحوادث نوشته اند که در ماه گذشته در طوزله و در آنحوالی زلزله شدیدی شده است لیکن  
 چندان ضرر و خرابی بهم نرسید در حوالی ارکوی نیشه و در دفعه زلزله شدید شده در بلوک دلویند  
 از هزار و پانصد متجا و از خانه خراب گشته و خیلی آدم تلف گردیده از اموال هم ضربه کل رسیده  
 در روزهای اسپانیا نوشته اند جمهوری مکسیقا که در قطعه شمالی و جنوبی مجمع امریکا واقع است  
 پیش از این تابع دولت اسپانیا بودند و بعد از آن خودشان جمهوری مستقل گشته اند در زبان سرد  
 عادات آنها چسب تفاوتی و فرقی نمیشد لیکن با این الی اسپانیا و مکسیقا عداوت زیادی هست



و از ابالی اسپانیا دایم خیلی از صنفت بخار و غیره در کلیسا هستند و ابالی کلیسا هر وقت که فرصت بیاید  
 اجرای خصومت و اظهار عداوت خودش از اینها پیش از اینها بخانههای تجارتی اسپانیا بجهت  
 بودند و هفت خانوار را با اهل و عیال و هر که در آن هفت خانه بوده کلاً بقتل رسانیده و اموالشان را  
 بجا رت برده بودند از جانب دولت اسپانیا با نهایت تشدد مطالبه ترفیه کرده و از جانب  
 دولت انگلیس توسط شده جمهوری مذکور را شفا صیقله علی الظاهر قتل بودند گرفت بقتل رسانیده  
 و از جهت عداوت جمهوری پیشتر کشته باظهار عداوت جارت پیش از پیش نمود و دولت انگلیس  
 از توسط خودش را کنار کشید چون گفتگوها در آن میان زیاد شد این اوقات از جانب دولت  
 اسپانیا اعلان حرب ب دولت جمهوری کلیسا کشته است پانزده هزار قشون بریه با قوه بجزیره خود  
 بلکنما پیستاق فرستاده اند ( در روزنامه پاریس نوشته اند اوقاتیکه شهر اسلامبول از طایفه  
 بقصر ف ملاحظین عثمانی رسید خیلی از آن طایفه بولایات دولت سی دیگر رفتند و پناهنده بان  
 دولتها بردند از جمله بد دولت ناپولی و بجانب سیچیا خیلی اشخاص غنیمت نموده بودند دولت ناپولی  
 در مکانهای مناسب برای آنها اذن اقامت و توطن داده بود شصت و چهار سال پیش ازین در شهر  
 میتنیک کلب کلیسا با اذن و خصت ناپولی از اموال خودشان بنا و االتا نموده و کلیسا را با تمام  
 رسانیده بودند و از آنوقت بحال نظر بهمت و غیرتیکه در میان آن طایفه بود و هست از برای غنیمت  
 کلیسا آنچه از سمندان و سایر ظروفات و صنایع قضا می نمود کلاً از دست ساخته و در آن کلیسا  
 گذارده و کلیت را از انواع اشیاء گران بها پر زینت نموده بودند و این بطریقی خودشان را  
 در آن کلیسا اجرا میداشتند نظر بر آنکه دولت ناپولی از ملت قولو کت و طریقی اینها با طریقی طایفه  
 منافات معارفت اردن قیمت که دولت ناپولی در صد و صیقله کردن انگلیسا بوده است تا اینکه  
 این اوقات کلیسای مذکور با اسباب و اشیائیکه در آنجا وقف بوده است ضبط کشته و بقت  
 قولو کت داده اند و اسباب و اشیائیکه در کلیسا بود همیشه در اشکال آنها تغییر داده بصورت دیگر گرد  
 و بجهت بیان و افاده این کیفیت چند نفری از آن طایفه بجانب دولت فرانسه دولت انگلیس غنیمت نموده  
 قیمت که در روزنامه های پورسیا و ویانه نوشته می شود که اعلم حضرت امپراطور روسیه بجهت  
 طایف با اعلم حضرت امپراطور فرانسه داده دارد که پاریس باید بقرار یک مجتذ از نوشته اند بموجب  
 اخباریکه از پتر پورغ با آنجا رسیده است در اقل بهار اعلم حضرت امپراطور روسیه غنیمت  
 پاریس خواهند نمود

۲۸۱۸

روزنامه و قیام اتفاقیه بیایخ یوم چشمنبیت نهم شهر جامی الاخری مطابقتی این تیس



### اخبار دجند ممالک محروسه پادشاهی

#### دار الخلافه طهران

بجاء الله تعالی درین سال فرخنده مال باقبضای فضول بوانهایت اعتدال ادا است خاصه در قوس  
 و جدی که هم هو خوب بودیم بارندگیهای نافع در تمامی ممالک محروسه شد که بعد از فضل الهی تمامی  
 زارعین و دامتین امیدواری کلی از سفیض و برکت نزول آن حاصل است در دلو هم بر فهای  
 متعددی که باعث منفعت و برکت است آرد و هوای هم چند روزی سرد نموده که بختیخ چالها در هر جایخ خوب  
 گرفته میشود و چون بسبب سرمای این چند روز و بر فهایسکه آمده است فراوانی دو فور شکار در  
 شکارگاهها خواهد بود لهذا خاطر اقدس تالیون شایسته ای از آنجا پیش و آید انچه عیش میل شکارگاه  
 کن فشر موده در روز کیشنبه پست پنجم از مقر خلافت عظمی نموکب منصور قرین شوکت و اجلال لیسبت  
 کن عزیمت و حرکت فرمودند و از چاکران دربار بسایون و خاصان استمان سپهر نمون از  
 قبیل بعضی از شاهزادگان عظام و اسنای دولت ابدار تمام و بقدر لزوم از سایر خدمت  
 و حشم در رکاب نصرت انتاب بودند و پس از ورود بشکارگاه مزبور چند فقره شکار محمول شده  
 و چند روز دیگر نیز در آن شکارگاه بتفج و شکار کردن مشغول خواهند بود (محمد تقی میرزا  
 حکمران دار الخلافه توابع و سیبخته از وزرای محترم و کارگذاران دیوانی از صاحب منصبان  
 نظام و غیره متوقف دار الخلافه هر یک بمردود در منازل معینه خود حاضر شده برقی  
 و شوق امور و شهنیم هام جمهور سپردارند و هر یک مراقبت تمام در نفاذ و اجرای احکام دیوانی

۲۸۱۹

و انجام خدمات مرجوعه بخود دارند و عکس گرفته و متوقفین دارا کسب و روزگاری که  
 هوا اعتدالی دارد حاضر میشوند و عموم صاحب منصبان کمال مراقبت در تعلیم قواعد  
 نظام دارند و سگتین فرانس هر کدام از قرار دستور العمل سپه سالار مشغول تعلیم علم و فن  
 خود هستند صاحب منصبانی که از توجیه مبارکه و افواج و سایر و صاحب منصبان خارج  
 از فوج که بجهت درس و مشق معین شده اند در کمال شوق مشغول درس و مشق میباشند و در  
 این وقت قلیل آنچه تعلیم شده همه را بچاپکی درستی یاد گرفته اند که خود معین تصدیق میکنند  
 اسرار و قرآن مبارکه و جبهه خانین نیز از هر چه کمال نظم اداری (که بلا حظه انجا  
 دو دولت اسلام که چاکران چندین حکم مواجده است از دزد دولت سنیته عثمانی نشان  
 مجید یاد در جبهه کوماندر بر حسب فرمان علیحضرت سلطان در حق میرزا حسین خان کار پرداز  
 اول سابق دولت علیه مقیم تفلیس اعطا شده و مشار لیس با متیاز آذ دولت تایل گشته است  
 و سرکار علیحضرت اقدس هیون شاهنشاهی اجازه قبول و استعمال مرحمت فرمودند  
 چون مراتب اتهامات میرزا محمد حسین عضد الملک متولی باشی سرکار فیض آثار حضرت  
 ثامن الائمه و صنایع من الائمة الامام المرتضی علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علیه  
 در شطینم خدام با احتشام و موقوفات با برکات آنحضرت صلوات الله علیه و علی آباء  
 و ابناء کما هو حق در خاک پای مبارک علیحضرت شریاری اامت شوکه معروض و مراد  
 صداقت و امانت مشار لیس در نظر کمیها اثر مشهود و ملحوظ افاده با عطای کثیر و  
 جبهه تره حاشیه ارا علی و صدور عفو و فسخان هیون شتمل بر اظهار مرحمت و کرمیت  
 لوکانه و استقلال مغربی الیه در شطینم امور آسانه مقدمه و خدمت محوله بخود مشهور و سرفرا  
 مشر بودند ( حاجی میرزا محمد خان دبیر همام خارج که از دار السلطنه تبریز برگشته  
 سطلاب احضار شده بود روز جمعیت و بیوم جمادی الثانیه وارد دربار هیون  
 شد علاوه بر این که از وزارت امور خارجه اشخاصیکه لازم بود استقبال شایسته از نمود  
 حسب الامر الاقدس الاعلی کتیر سربنگ با پست نفر غلام و یکراس اسب نیک از صطبل  
 هیون برای استقبال آورده شدند و لازم از احترام از مشار الیه عمل آوردند و بعد از ورود  
 در بار هیون شرفیاب حضور مرطوره اقدس اعلی شده مورد الثقات و تفقدات  
 لوکانه گشت ( میرزا مصطفی خان افشار که از قدیمی خدمتگذاران دولت علیه است

و همواره و خدمات او منظور نظر کیمیا اثرهای او علی است محض مراعات خدمات  
 او میرزا علی خان پسر مشایخ را ب منصب سر بنکی سزاوار فرمودند و یکمطابقه شال تره کرمانی  
 بر رسم خلعت از صندوق قمانه مبارک که در حق او مرتبت شد

سالم است که اتحاد دولتین ذیشوکتین ایران و روس بواسطه استقامت و حسن نیت  
 اولیای دولتین در ثراید پیاپی شده و چیزی که زیاده از حد مایه تنبیت و خوشوقتی طرفین شده است  
 اینست که علاوه بر اتحاد دولتین روز بروز هر دو پادشاه ذیجاه بر اسباب رابطه  
 خود می افزایند چنانکه بجهت دلیل این اتحاد اعلیحضرت قضا شوکت امیر اطور روس  
 یکمقبضه شیر مرغ بجهت اعلیحضرت اقدس شاهی ارسال داشته بودند و در روز پنجشنبه  
 است و دوم اینها جناب جلالتاب موسیو انیسکوف وزیر مختار روسیه مخصوص دولت  
 بهتیه روسیه بالوازم لایحه بجهت ربابه النورهایون شهبازی آوردند و اعلیحضرت  
 اقدس شاهی هم شیر مرغ بزرگ بدست مبارک خود قبول فرموده ازین دلیل مخصوص  
 دوستی اعلیحضرت امیر اطوری اظهار کمال رضایت و خوشوقتی نمودند

سایر ولایات

کرمانشاهان از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند عمادالدوله حکمران  
 کرمانشاهان روزی سواره عبور می نمودند شخصی فاسخ آمده عارض شده بوده  
 مغزی الیه اسباب را نگاه داشته بودند و آن شخص فاجع عرض کرده بود که من مرد  
 بودم بزاز و معتبر و حال چند سال است با بیمار عرض مبتلا شده ام و هیچیک از  
 از اطباء علاج دردم نتوانسته اند بکنند و اندک اندک پریشان اوضاع و احوالی  
 گردیده ام استمدعا آنکه خرجی راهی عنایت شود که خود را بعبات عالیات و  
 آن اماکن مشرفه برسانم شاید بپرکت ائمه طاهریین صلوات الله و سلامه علیهم  
 شفائی حاصل شود مغزی الیه عرض او را رسیده محض از یاد عاکوفی ذات اقدس  
 هایون شاهی خلدانند که و سلطان خرجی درستی با و داده روانه نمودند  
 و بقراریکه نوشته اند این روزها که قتل از بغداد می آمده یکبار قماشان  
 میر عبدالباقی نام تاجر در برده اسد الله خان سرتیب کوران جو یا شده در میان  
 ایل جاف مرادی پیدا نموده و استرداد کرده بعینا بصاحبش تسلیم شد

۲۸۲۱

## آذربایجان

خومی از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند در قرینه قوروق علیسا من قن ار محال سکمن آباد در خاک کتفیر رعیت میزیم و بوژا زیاد جمع کرده بود شب غفلتاً آتش آفاده صاحب خانه هم در فستردیکر همان بوده است بهمان بود و غیره رسیدن چغندر عیال و اطفال مرد چهاره که در خانه خوابید و بودند بعضی را آتش سوخته و در دود خفته کرده محمد رحیم میرزا حکمران خوی و سلماس چه تمسیت ولایت امیدوار نمودن علی آقای شکاک سلماس رفته بودند که هم امورات سلماس انظمن نماید و هم مشارالیه را بالغات امنای دولت قاهر خاطر جمعی داده در دستر سلماس طایفه شکاک و علی آقا را قتل معین جابجا نمودند بتاریخ هشتم جمادی الاولی مراجعت نموده وارد خوی شدند ( از اتفاقات فائده اینست که چند نفر سوار از طایفه شکاک بنامی اسب دوانی گذاشته در پهن اسب دوانیدن و نفر سوار بهم خورده نوک سینه شترکی بر کردن دیگری خورده از زور اسب از آن طرف کردن سوار پیرون آمده و در همانجا فوت شد محمد رحیم میرزا حاکم خوی در شهر و محلهها شبها قراول و گزنه گذاشته اکثر اوقات شاهزاده خود مراقب احوال گزنه و قراول میباشند شب پست و هشتم شهر مزبور در یکی از محلات چهار نفر شراب خور و چهار کشته آنها را گرفتند صبح تنبیه نمودند و مهار کرده بس بازار فرستادند در هفدهم شهر مزبور برف جزئی بارید الحمد لله تعالی هوای جنگل خوی مثل بهار است و در چند خوبی هوا غلظت و ماکولات در قیمت و تسعیر بسیار تفاوت کرده رزان محاسب شده است

**اصفهان** از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند امور آن ولایت در نهایت انتظام است و جمع ناس از عوام و خواص بدعای دوام عمر و دولت اعلیحضرت اقدس شاهنشاه حجاجه دامت شکرته و دوائه اشغال دارند ( امان الله خان سرتیب فوج بهداینه بامیک عزاده توب در پست و پنجم جمادی الاولی بسبت ابرقوه روانه شده ولی سلب وجه حرکت مشارالیه معلوم نبوده است از قراریکه نوشته اند با غنیمت شیراز حرکت نموده ( درین اوقات در اصفهان بارندگی خوب شده از جمله برف بسیار خوبی آمده و بعد از چند روز بارش و باران خوبی شده امید است که محصول خوب شود ( سواره بایرونند که در اصفهان ساخلو میباشند در کمال نظم حرکت میکنند و در قراولخانههای عرض راه مستحفظ میباشند و در شهر هم هر جا که قراولخانه هست سربازان فوج بهدانی مستحفظ هستند

### اخبار دول خاربه

بقراریکه در روزهای بارسیا نوشته اند نظر تقضای معاهده که فهایم پادشاه چین و دولتشین  
 و انگلیس انعقاد یافته است مقرر گشته است که از جانب دولتین المچی در شهر کپین و از جانب پادشاه  
 چین المچی در پاریس و لندن اقامت نماید بنشیند از جانب دولتین المچی که میبایست بفرستند نامور  
 نموده اند از جانب چین که فرستادن المچی منظور و ملحوظ است چون امالی چین تا بحال در دنیا  
 قطعاً اوروپا نرسیده اند و کوشش آنها نخروده است لهذا از جهت فهمیدن کیفیت قطعاً اوروپا و تحقیق  
 و تفتیش کردن از احوال و احساق امالی آنجا چهار نفر آدم قیسین و نامور نموده اند آن چهار نفر  
 بارسیا رسیده اند ( بقراریکه در جریده اخبار از روزنامه پطریورغ نقل کرده اند راه  
 که از پطریورغ تا بسکو ساخته اند در آن اوقاتیکه بنای ساختن گذارده بودند و میخواستند بطعنه  
 داده بودند و اشخاصیکه معتمدان پطریورغ و مسکورا شدند  
 میل شده اند که در اخراجات ساخته شدن این مسافت در یافت نموده بودند بعد بموجب تحقیقات  
 در مسافت آنجا نموده اند ششاد و هشتاد میل از مسافت اولی کمتر بوده است بقراریکه حساب نموده اند  
 هزار کیلومتر که عبارت از چهار صد هزار تومان پول ایران باشد کذب و سرفراشی صیقل قبول  
 کرده بودند معلوم گشته است چون مبلغ مذکور بپایست ازین اشخاص اخذ و مسترد کرد و درین  
 مسکوت غنچه گشته بمقام مطالبه بر نیامده اند معلوم میگردد که مبلغ مذکور در مابین بعضی از امرای  
 افراط و تفریط شده بوده است بموجب و زمانه که این اوقات از پطریورغ رسیده این کیفیت بعضی  
 اعلحضرت امپراطور رسیده است و حکم نموده اند که مجلسی مرکب از چند نفر منفق سازند  
 و تحقیق این کیفیت نمایند ازین خواه در نزد پسر کس بوده است اخذ کرده تا دیسات لازم آنها  
 مجری دارند ) در روزهای مسای رسمی پطریورغ نوشته شخصی از اهل مسکو که صاحب دولت  
 و ثروت بوده است بحساب ناظر خودش رسیدگی میگردد است درین حساب شخص کج خلق  
 و متغیر میشود طپا نچه پر که کلوله داشته است بطرف ناظر خود حالی میکند کلوله از سبب آنکه میخورد  
 از آن طرف سپردن می رود و او را نمیکشد بعد که زخم ناظر چاق شود از جهت کلوله خوردن خود  
 با ارباب خود بمقام دعا بر می آید چون شخص صاحب دولت ناظرش بی خبر بوده است  
 راهی پیدا میکنند که خود شرا محق و ناظرش را دروغ گو و مفتری میباید و از مجلس حکم و اعلام  
 بچس گشتن او میدهند و او را مجبوس میکنند بواسطه چند نفر از اقربای این مجبوس کیفیت با

عرض حال تا علیحضرت امپراطوری عرض میکرد و از جانب علیحضرت امپراطور حقیقت این کیفیت تحتی و تحتش شود حقیقت شخص محبوس و ناحق بودن از باب او معلوم میکرد بنا بقانون دولت در وسیله بر اجرای حربه مکافاتی که معتبر بوده است حکم مینمایند و ما مورین مجلسیکه اعلام نامه کذب را مهور نموده بودند مجازات آنها نیندر حکم شده است ( در روزهای رسیده نوشته اند که در قانون قدیم آن مالک است هر کس است در سرخوش در کوچه و بازار بماند که بدستی میکند از جانب مورین پولیس او را میگیرند و بجانب حاکم تسلیم میکنند پس از آنکه شخص متبحال آمد صاحب مهرتبه و منصب میخواهد باشد از جهت عبرت سایرین انشخص را چند روزی معتبر است بجا روبرو کردن کوچه باز میارند از چندی قبل این قاعده را حاکم آنجا موقوف داشته بوده است و از بعضی اشخاص که محترم بوده اند جریمه میگرفتند و بعضی را باین قسم تنبیه و تادیب مینمودند این کیفیت این اوقات بعرض علیحضرت امپراطور رسیده حکم نموده اند که همان مجازات اول برقرار شود و قانون تازه موقوف گردد ( در روزنامه های فرانسه نوشته اند که در شهر پاریس در رعایت نظم و انتظام و زینت چرخه بخار که آنرا فایز مینامند در کوچه و محله تا صبح موجود روشن است و باین سبب بعضی اشخاص تا صبح در کوچه و اطراف گردش مینمایند و بعضی حرکات نامناسب از آنها سر میزند این اوقات از جانب پولیس قرار داده شده است که این چراغها تا نصف شب روشن باشد و سوختن آنها را بعد از نصف شب منع و قدغن نموده اند ( و نیز در روزنامه های فرانسه نوشته اند بجهت رعایت و قرا و ضعف که تا کولات و مطبوعات آنها از زبان و مناسب فروخته شود از جانب علیحضرت امپراطور دستور داده شده است که در اکثر محلات پاریس خانه ها و عمارتهای وسیع بازند و مصارف این از جانب دولت اهل محکمت داده شود ( در روزنامه های امریکا نوشته اند که اخبار تلغراف با صرفنا شایع که بملزات مخصوص است وضع نموده اند اجسامی دارند چون حروفات تلغراف را هر کس نمیداند اخبار را در تلغرافخانه ترجمه و تحریر میکنند و صاحبش میدهند و این کیفیت باعث رحمت و قوت شدن وقت میشود مورس نام شخص که ایجاد و اختراع کنند تلغرافت از روزیکه احداث تلغراف را کرده است و زبرد در فرسنگ سهل و آسان کردن اصول قواعد آن پیا شد این اوقات قاعده ما زبنا نموده که عوض حروفات اشاره تلغرافیه حروفات متعارفی بر روی آن گذاشتند که مخصوص نوشتن اخبار تلغرافت نوشته میشود همان کاغذ را بدست صاحب بخار میدهند که مذکور است که احتیاج ترجمه و تحریر و تاثیر نخواهد بود

۲۸۲۴

روزنامه و قاع اتفاقیه بیخ یوم پنجم ششم هر جیب المرحب مطابقی سال اول ۱۲۲۵



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارا نخلان طهران

در روز یکشنبه دوم شهر حال که بقانون متداول سلاطین ایران انار را برای نیمه قرار شکار جسته که داده بودند با وجود برودت و کثرت برف و سرما از زمین طالع شنبه روزی مطلع همایون شکارگاه بسیار کردند و بخصوصه بفاصله یک ساعت و نیم چهار قطعه شکار کوهی را که در حالت گیر بود بدست مبارک با کمال قدرت و جلدی و چایکی زدند و خاطر خوش شد مطابقت و اجابت و انباط کامل حاصل آمده مراجعت فرمودند ( چون محمد ابراهیم خان سهام الملک سرتیپ افواج اصفهانی در قدیم خدمات مرجوعه مراقبات کافی عمل آورده بود بجهت مرید مفاخرت و امیدوار او موازی یکثوب کلچو برسم خلعت در حق او مرحمت شد ) ( چون علیجان سپهر عزیز خان سردار کل برجت ایزدی پوست از جانب سنی ابجوانب همایون برسم تسلیم موازی یکثوب کلچو تریه بطانه خراز طوس سیدین مبارک و یکثوب قبای مقتول دزد کلابتون سفید مخصوص مرتبه سردار شریف سردار مشارالیه مصحوب علیجان سپهر شاهی مرحمت و افتادگت طفوفه فرمان مبارک شرف صدور یافت ) ( نظر بطور رعایت خدیوانه در باره عین الملک در شکارگاه کن یکثوب خرقه بطانه سنجا بیا و مرحمت و رعایت کردید ) ( سرکار علیحضرت شامشاهی صان الله ایام شوکت عن التابیه که در شکارگاه کن شریف داشتند در روز چهارشنبه پنجم اینمسله قرین دولت و اجلال شریف فرمای مخر خلافت پندوال کردید و در همین شریف فرمای مویکب همایون

۲۸۲۵



افواج قاهره قریب بمیدان اسب دانی کلا صفت کشیده در صحن عبور موبک های یون  
تعمیر نظامی عمل آورده هر یک بنوازشات لوکانه سرافراز شدند اخبار قشونی  
این اوقات بجهت شدت برف و سرما توپچان و زنبورکچیان و افواج قاهره از مشق معاینه  
مستدر روز مایه که هوا اعتدالی دارد سه سالار قرار داده اند هر فوجی در سر بار خا  
خود مشق کنند تا بالمره از مشق عاری نباشند ( فوج خدا بند لو جمع حفر مستلینان  
سربنک که مدتی با مورخرا سان بوزند مرضی حاصل کرده در دوم ماه رجب وارد  
دارا مخلص شده بودند در روز و دو موبک های یون در بالای میدان مشق حاضر  
بخاکپای مبارک مشرف شدند مورد تفقدات لوکانه گشته همه سر باران و همبند  
فوج مزبور انعام مرحمت شد ( فوج کردستانی جمعی خان احمد خان سربنک که احضار  
رکاب های یون شده بود در روز سیوم شهر رجب وارد دار بکنند و روز و دو موبک  
های یون در سپهرن دروازه دولت شرفیاب خاکپای مبارک گشته مورد التفات و نوازش  
و انعام لوکانه گردیدند ) نظر با استعداد و شایستگی محمد رضا خان سرتیپ نکنند و محسن  
پاس حقوق خدمات خدمتگذاران دولت علیه فوج نهاوندی سپرده و ابواب جمع مشارالیه کرد  
که از روی شوق فوج مزبور را در کمال نظم و آراستگی نگاه دارد و خلعت با و مرحمت شد و  
معتکین فرانسه هر کدام در فن خود مشغول تعلیم هستند و کمال رضامندیرا از هوش و زیرکی و  
چابکی شاگردان خود دارند ( معلم علم قورخانه عماد و بجهت آذوقه و سایر تدارک  
فوج نمونه ساخت بنظر های یون رسید مقرر فرمودند که بقدر کفایت یکفوج در قورخانه مبارک بجهت  
فوج طهران جمعی محمد رضا خان سرتیپ بسازند تا م شود هر گاه بعد از اتمام مستحسن افتاد در حق  
سایر افواج قاهره نیز تشریح خواهد نمود

۲۸۲۶

### سایر ولایات

آذربایجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته بودند معزالله و برام  
صاحب اختیار مملکت آذربایجان روزیت و ششم شهریاد می اولی وارد دار السلطنه تبریز  
گشته تمامی سران لشکر حضرت اثر متوقفین آنولایت سایر اعیان مملکت استقبال کردند شاهزاده  
همه را علی قدر مراتبهم نوازش نمودند بمرحمت و الطاف حضرت قدرت شاهنشاهی خلعت  
که و سلطان امید داری داده در دیوانخانه نزول کرده از افواج منصوره بیکت فوج که در  
میدان توپخانه و فوج دیگر که در دیوانخانه حاضر بودند هنگام ورود شاهزاده احترامات

نظامی عمل آوردند و بشکرانه سلامتی وجود مبارک شاهنشاهی پست یک تیریم شکر  
 توب کردند ( عزیزخان سردار کل از صبح تا دو ساعت بعزوب آفتاب مانده در اطاق  
 نظام اقامت کرده بی مانع و قراول بعرض و مطالب مردم رسیدگی مینماید و بدون آنکه دنیا  
 از کس گرفته شود امورات مقرون بحساب آنها انجام می یابد و جمیع رعایا و برابرا در محد  
 امن و امان و آسایش مشغول خدمتگذاری و رعیتی و کاسبی خود پاشند ( عزیزخان سردار  
 کل عبد العلی خان سر قیپ تو بجانه مبارک که را از منزل آق کنت روانه مراغه داشته بود از قرا  
 روزنامه که هر هفت از مراغه به تبریز میرسد امر آنجا نهایت اشطام حاصل کرده است  
 مشارالیه هر چه دزدی درین مدت اتفاق افتاده است همه را گرفت بصاحبانش رسانید  
 و دزدان را هم دستگیر میکند کینفره شیر را فرستاده بودند کبینه بعد از تلاش بسیار گرفتار  
 شده و چون خود را در معرض تلف دیده بود خود شتر بضرط طپا خج الا که کرده است  
 شتر نغرا از شتر چار دوی که مدت ها مشغول راهزنی بودند گرفتار کرده نزد حشرالدوله  
 آوردند و هر سه را بحکم مغزی الیه بسزای خود رسانیدند و همچنین دزدی دهخوار قانی  
 که از اشتر مشهور بود بحکم شاهزاده بیاست رسید بایر مقصودین اہم علی قد جسہ اینهم  
 عزیزخان سردار کل در اطاق نظام تنبہ کرده است شتر بسزای و اطراف منظم است و  
 میرزا عباس خان معاون الوزان وقتیم لزومات عمل و مشغل و منصب خود مشغول است  
 قونسول های اول متحابه روز دهم و سیوم و روز دوشا هزاره معتد الدوله مرکب برت  
 و قاعده و لباسهای رسمی خدمت شاهزاده آمده بعد بجهان تر قیپ با سردار کل ملاقات  
 بعد از آن بدین معاون الوارہ ہم رفت بوند و از جانب سردار کل و معاون الوزان ہم  
 بعد از چند روز رسم بازدید بعمل آمد

۲۸۲۷

حماسه

خفتی که از جانب سنتی ایوانبها یون در باره چراغ غلیخان حاکم خمه مرحمت شد بود در پستم  
 شه جادمی الاخری باور رسید کیلان و مایه امن خرت او کردید  
 از قراریکه در ضمن روزنامه کیلان نوشته بودند شدت سرما و کثرت بارندگی در آنجا  
 زیاده از اندازه بوده است کما از نذران از قراریکه در ضمن روزنامه مازندران نوشته شده  
 بود این اوقات برف زیادی در آنجا باریده است از غراپست که در کوه سیرپهن برنی بارید

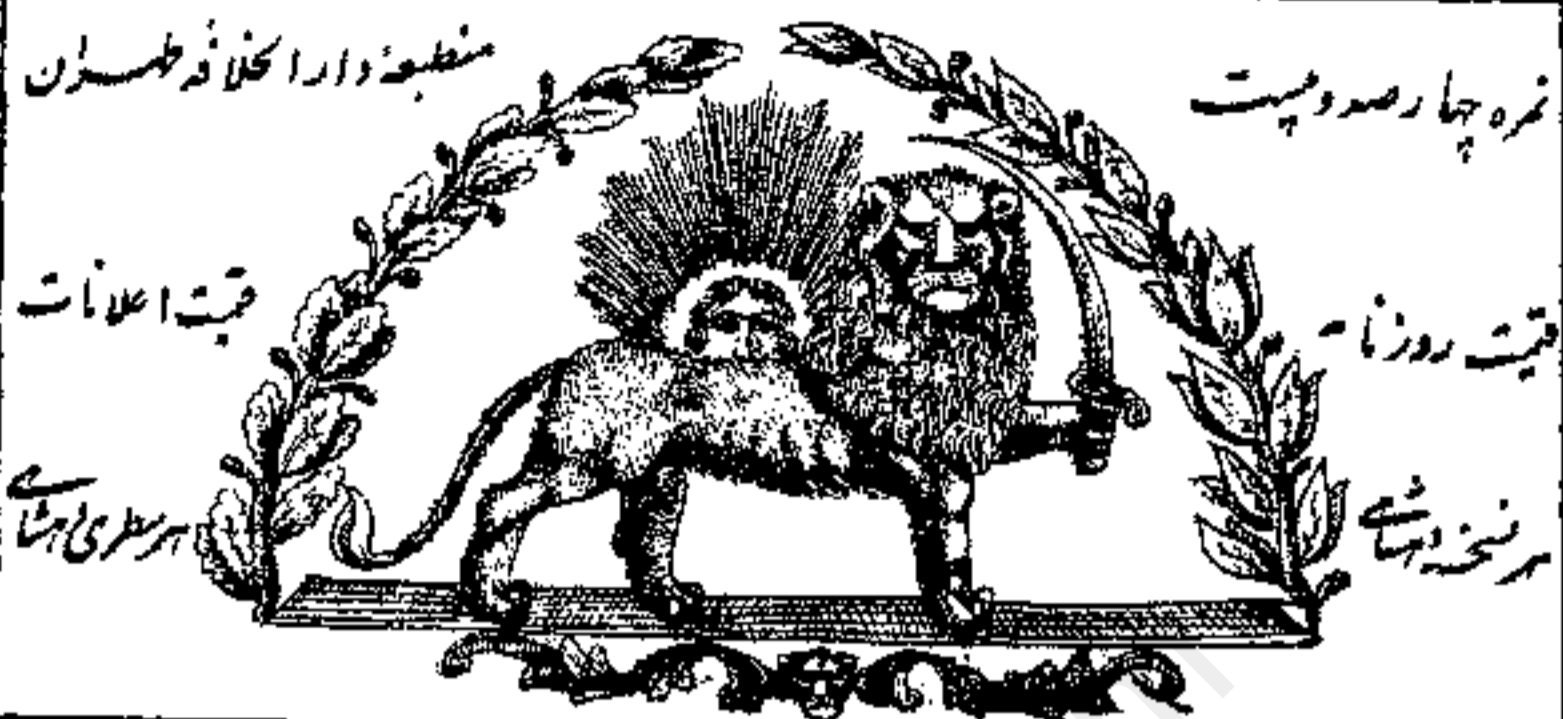
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
 جمهوری اسلامی ایران

### احبار دول خارج

بقره یک در روزنامه های فرانسه نوشته اند از شاگردان کتب طبیعت پاریس آنها شیکه تحصیل فرقی  
 لطابت کرده و اجرای امتحان آنها کشته است و اسامی آنها را در دستر قید نموده اند یکصد  
 و نود و چهار نفر رسیده است و عقرب آنها را پیاپی ازین اجازه از کتب بیرون آمدن پسند  
 در روزنامه های امریکا نوشته اند که قطعه شمالیه و جنوبیه محبت امریکا بقیاب خوب مکانها  
 محصول دار و زراعت گاه باشد مالی آنجا جهت زراعت با مزد اجرت اجیر میگیرند و زراعت  
 نمایند در پنجاه اهرت مردود و عمل در روز در آنجا ها زیادتر میشود اگر چه هر ساله  
 چهار صد و پانصد هزار نفر از مالی او رو با بستان امریکا غریت نموده و میروند چون آ  
 از آنها در زراعت و وقت سر رشته اند فایده از برای صاحبان زراعت حاصل نمیشود  
 سابق بر اینها بیشترین غلام ستر داده بودند که امر در زراعت آنها از غلام ساخته و بعد رده  
 کرد و غلام در آنجا جمع است از چندی قبل که بیع و شرای اسیر مین و ولتا منع شده است  
 با زراعت یومیته غلام از حد زیاد تر کشته و قیمت اسیر هم زیاد ترقی کرده است از جهت  
 سولت امر از همین جمهوری امریکا قرار داده اند که چند مجلس منفعت در بر سر شود که آن  
 این مجالس آدم فرستاده رهن و صین عمل و مزد و طلب دعوت کرده بسیار درند  
 و خودشان بآن مزدور را فرستاد و اجرت مناسب بدهند و بعد از آن با صاحبان  
 زراعت مزد و اجرت متعارفی آنکلت را مشخص و معین نمایند و اشخاصی را که محنت مراحت  
 و زراعت آورده اند بکار باز دارند که هم کار اصحاب زراعت راه پختند و معطل نگیند  
 باشند و هم مالی آن مجلس منفعتی بهره ببرند ( در روزنامه های پروسیا نوشته اند صاحبان  
 عسکری را که پیش برین از سلک عسکری اخراج بکنایه شینی آنها حکم شده بود این اوقات قائم مقام  
 دولت پروسیا آنها را احضار و داخل سلک عسکری نموده و خدمات سابقه آنها را با زحماتشان  
 محول و مرجوع کرده اند ) در روزنامه های ناپولی نوشته اند سبب اختلال و اغتشاشیکه با  
 در ناپولی ظهور کرده بود و خان و اطلاق طایفه استیاریا از جانب دولت ناپولی منبط و تصرف کرد  
 و خودش از نظر بجزایم ایشان بعضی را قتل و بعضی را حبس کرده بودند بعد از رفع  
 اختلال را غتاش و اعلیت ولایت این اوقات از جانب دولت ناپولی آن اطلاق متصرف  
 دولتی در هر مملکتی ممکن بود است بر عا با مالی آن محل و ملک و اقدار شده است

۲۸۲۸

روزانه وقایع اتفاقیه بیامخ یوم چشبه سیزدهم شهر جیب المرجب مطابق سال یونین



نمره چهار صد و پست

منطقه دارا کلاذ طلسون

وقت اعلانات

وقت روزنامه

هر سطر بیست

هر خط بیست

### اخبار داخله مالک محرومه پادشاهی

#### دار بختلاف طهران

محض ظهور مراسم طوگانه دو فور تقدمات خدیوانه در بان نصیر الملک بقبضه عصای  
 مرصع در حق او مرحمت گردیده میرزا ایت الله پسر او بمنصب استیفای و طایف ممالک  
 سراسر از دیکتوب خدی کرمانی اعلی خلعت غایت شد ( چون توکل خان خشمگین  
 خد مگذار یزاد در پایگاه سیر خلافت میرزا شاهی خد الله بمنصب ظهور رسائید بمنصب  
 سر بسنکی تو بخانه مبارک سرافراز فرمودند ) حاجی میرزا عبد الله خان پسر مرحوم میرزا  
 میرزایی خان میسر یوان چون از خانه زادان دولت در مراتب بلتیش در حضور هر ظهور بجایون  
 معلوم و مشهور گردید لهذا در منصب استیفای یوان جایون سرافراز فرموده شدن خلعت  
 مرحمت گردید ( نظر بطور مشمول مراسم طوگانه در باره عماد الدوله اما معطلی میرزا سرحددا  
 عراقین موازی گیرائس اسب از اصطل حاصله مبارک بانضمام زمین و یراق طلا  
 از جانب سنی ابجوانب هایون مرحمت و انفاذ گردید ) درین وزا حکم شده است  
 سیم تقرافت از طهران الی عمارت سلطانیه و از آنجا الی تبریز بکشند و اعضاء السلطنه که  
 در سنه در الفنون سپرده با دست مشغول انجام این خدمت که بزودی تمام نماید  
 و اول تقرافی است که در ایران کشیده میشود و برور بهمه سعادات خواهند کشید ( چل  
 و دو نفر از جوانان قابل ایران انتخاب شده اند که در مدارس علوم پاریس مشغول

۲۸۲۹

تخصیص فنون مختلفه بشوند و در این روزها ما مورود اند خواستند شد [ در این روزها حکم شده است که در تبریز نیز روزنامه طبع شود که احوالات آذربایجان و غیره در آن نوشته شود سایر ولایات آذربایجان

بقراریکه در روزنامه تبریز نوشته بودند امور آن ولایت از هر جهت نهایت اشغالها دارد و شاهزاده معزالدوله صاحب اختیار محکمت آذربایجان و عزیز خان سردار کل از هر بابت مراقبت مواظبت در امورات کلیه و جزئیته دارند [ با قصد نظر از سربازان قزاق داغی را بحفاظت قزاقانهای شریفین نموده اند و پانصد نفر دیگر از قزاق نیز در بحفاظت محلات و کوچهای شهر بطریق کزیه ما مورود اند که چهار ساعت از شب گذشته هرگز در پیرون خانه نماندند گرفته نگاه دارند و روز در اطاق نظام آورده هرگاه مقتضی باشد تنبیه نمایند و الا مرفض میکنند و بدین واسطه مالی شهر از دزد و شکار بخواره قمار باز و سایر اشغال در امن و امان است و کلاً و طراً بکار خود مشغول و آسوده خاطرند مگر کونی دوام عمر و دولت شاهنشاهی و حجاج حسدانه بلکه سلطانه اشتغال دارند

۲۸۳۰

فارس بقراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند بارانهای موعود در محبتا باریده و در او اسطمان جمادی الاخری برف زیادی شده و سرمای شدیدی شده بطوریکه در آن ولایت کمترین طور برف و سرما دیده شده و از حد آن برف تنزل و تفاوت زیادی در قیمت و تغییر اجناس پیدا شده و مالی آن صفحات بدین واسطه متضرر دارند [ از سربازان قزاق سدهای و بروج منیریدین اصفهان ابو جمعی محمد ابراهیم خان سهام الملک که در شیراز مستقرند بکفایت مداخله در استان و خدمت بهار لولویان مور کشته و بامیرزا عبدالوهاب خان سرمنگ عازم محل ناموریت گردیدند [ قزاق شیراز که حسب الامر احضار دارا اختلاف شده اند با صاحبان بشارت آورده اند که تدارک آنها را در روانه نمایند و هر روز ما دام توقف مشغول میشوند گمشان از قزاقیکه در روزنامه آنجا نوشته بودند طغوز و قزاقان مبارک که در باب نوشتن صورت دارس و تشخیص و ثبت اسامی محصلین شرف صدور یافته بود و سابقاً در روزنامه هم نوشته شد محمد حسنان حاکم مضمون مرحمت نمون طغوز قزاقان مبارک را

در مدینه سلطان لوش زد خاص و عام طلبین و محصلین نموده باری تشویق و امیدوار  
 و شکر گذاری نمود تا که دید و اساسی هر یک را مشخص کرده بجا کپای همایون  
 شاهنشاهی همان آنکه آیام شده که عن لبتشاهی معروض داشت دست نفرار فصلی  
 با خبر و اهل خبرت مهم معین نمود که در هر ماهی بیک دفعه کحضرات طلب و تحصیل  
 هر یک در هر علمی از علوم فقه و اصول و ریاضی و حکمت و غیره رسیدگی نمایند هر یک  
 ترقی کرده اند مورد نوازش شوند و هر که ام بین آسانی روزگار خود را مصروف  
 داشته مورد توجیح و طاعت کردند (تا عشر اول شهر جمادی الاخری) کاشان  
 کاشان بعینه فصل خریف و بهج آما از مسلمان پدید نبوده و اغلب مردم وحشت  
 داشتند که در تابستان بجهت نبودن یخ در کاشان صعب و سخت خواهد گذشت در  
 عشر نهم شهر مزبور شدتی سرد باد بارندگی شده که از کثرت برف راه قوافل  
 مسدود شده است و عبور را از کوه چای شهر کمال صعوبت را دارد و با اینکه  
 کاشان کر میر است این نوع برف و سرما از جمله غرایب است (درین  
 روز شخصی مکاری تخواه نقدی برسم امانت تجار از بندگان حمل بسند و میگردد در  
 کاشان که رسیده بود آدم همان مکاری از روی طمع کم می کرده بود و شبانچ  
 کیسه از تخواه را که عبارت از پانصد تومان باشد از بار پیرون آورده و پنج بار  
 آبر با اندازه هر یک در میان بار میگذارد که اگر با بشک شخص مکاری باشد منت  
 نشود و شبانه فرار کرده در پیولسای غایب شهر پنهان میشود شخص مکاری بجا  
 با خبر گشته که نوکرا و فرار کرده است در صد رسیدگی امانت تجار بر می آید  
 و بارهای خود را کشاده می بیند کیسه امانت مفقود و در جای آن پنج پارچه  
 گذاشته اند با وحشت و اضطراب تمام مراتب انچه حستان حاکم کاشان  
 اظهار میدارد و مشارالیه چند نفر غلام و قراش با طراف نامور کرد که در حوال  
 و حوش شهر در جستجوی شخص سارق بر آید وقت عصر همان روز در نفر قراشان  
 نامور همان شخص سارق را در پیولسای یکی از مزارع حومه با تخواه دستگیر کرده  
 آوردند شخص مکاری را احصا کرده در حضور جمعی از تجار بعینه پانصد تومان تخواه  
 تا تسلیم نمود و سارق را اطلبه کامل کرده در جمیع بازارها معلن کردند و احضار  
 نمود

۲۸۳۱